

# رابطه بین ابعاد دلبستگی و کنش تأملی مادر با پرخاشگری کودکان پیش دبستانی: نقش واسطه‌ای توان بدرفتاری با کودک

## The Relationship Between Dimensions of Mother's Attachment and Mother's Reflective Functioning with Preschool Aggression: The Mediating Role of Child Abuse Potential

Fateme Talebian Sharif  
MA in Educational Psychology  
Ferdowsi University of Mashhad

Seyed Amir Aminyazdi, PhD  
Ferdowsi University of Mashhad

سیدامیر امین یزدی\*  
استاد گروه روان‌شناسی مشاوره و تربیتی  
دانشگاه فردوسی مشهد

فاطمه طالبیان شریف  
کارشناس ارشد روان‌شناسی تربیتی  
دانشگاه فردوسی مشهد

Maryam Bordbar, PhD  
Ferdowsi University of Mashhad

مریم بردبار  
استادیار گروه روان‌شناسی مشاوره و تربیتی دانشگاه فردوسی مشهد

### چکیده

هدف این پژوهش تعیین نقش واسطه‌ای توان بدرفتاری با کودک در رابطه بین ابعاد دلبستگی و کنش تأملی مادر با پرخاشگری کودکان پیش دبستانی بود که در قالب طرح همبستگی با روش تحلیل مسیر، روابط متغیرها را مورد بررسی قرار داد. جامعه آماری پژوهش مادران دارای کودک پیش دبستانی ۴ تا ۶ ساله شهر مشهد بود. ۳۳۷ نفر از مادران به شیوه نمونه‌برداری در دسترس انتخاب شدند و به پرسشنامه کنش تأملی والدینی (لویتن، مایز، نایسنس و فوناگی، ۲۰۱۷)، مقیاس بازنگری شده دلبستگی بزرگسال (کالینز، ۱۹۹۶)، فرم کوتاه سیاهه توان بدرفتاری با کودک (آندرسما، چافینز، مولینز و لی‌برتون، ۲۰۰۵) و فرم والد مقیاس پرخاشگری کودکان پیش دبستانی (واحدی، فتحی‌آذر، حسینی‌نسب و مقدم، ۲۰۰۸) پاسخ دادند. نتایج تحلیل مسیر با تأیید برازش مدل، نشان داد اضطراب دلبستگی از طریق مسیر پیش‌ذهنی‌سازی-توان بدرفتاری بر پرخاشگری کودکان پیش دبستانی اثر غیرمستقیم دارد. اثرات غیرمستقیم اضطراب دلبستگی بر پرخاشگری کودک به واسطه قطعیت و علاقه نسبت به حالت‌های ذهنی نیز معنادار بود. همچنین تنها اثر غیرمستقیم اجتناب دلبستگی بر پرخاشگری به واسطه توان بدرفتاری با کودک بود. یافته‌های پژوهش حاکی از نقش سازه‌های دلبستگی و کنش تأملی در شناسایی توان بدرفتاری مادران و پرخاشگری کودکان پیش دبستانی است.

**واژه‌های کلیدی:** کنش تأملی مادر، دلبستگی، توان بدرفتاری با کودک، پرخاشگری، کودکان پیش دبستانی

### Abstract

This study aimed to investigate the mediating role of child abuse potential in the relationship between dimensions of mother's attachment and mother's reflective functioning with preschool aggression. This study examined the relationships of the variables as correlation research by path analysis method. The statistical population of the research included mothers with preschool children (4 to 6 years) in Mashhad. For this purpose, 337 mothers were selected through convenient sampling and were asked to fill the Parental Reflective Functioning Questionnaire (Luyten, Mayes, Nijssens & Fonagy, 2017), the Revised Adult Attachment Scale (Collins, 1996), the Brief Child Abuse Potential Inventory (Ondersma, Chaffin, Mullins & LeBreton, 2005) and the parent form of Preschool Aggression Scale (Vahedi, Fathiazar, Hosseini nasab & Moghadam, 2008) which were available online. The results of the path analysis, which confirmed the model fit, showed that attachment anxiety has indirect effects on aggression through the path of pre-mentalization-child abuse potential. The indirect effects of attachment anxiety on preschool aggression through the certainty about mental states and curiosity in the mental states were also significant. Also, the only indirect effect of attachment avoidance on aggression was through child abuse potential. The research findings indicate the role of attachment and reflective functioning in identifying potentials related to mothers' abuse potential and preschool aggression.

**Keywords:** mother's reflective functioning, attachment, child abuse potential, aggression, preschool children

received: 09 January 2023

accepted: 02 June 2023

دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۱۹

پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۱۲

\*Contact information: yazdi@um.ac.ir

این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته روان‌شناسی تربیتی است.

## مقدمه

امروزه والدگری و عناصر مرتبط با آن به‌عنوان مسئله‌ای که آثار تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری سلامت روانی دارد، نقش والدین در مسیر تحول فرزندان را برجسته می‌سازد. اهمیت تعامل مادر-فرزند به‌ویژه در سال‌های پیش از دبستان آشکار شده است چرا که کودکان خردسال به لحاظ جسمی و روانی وابستگی فزاینده‌ای به مادر دارند (بلسکی، ۱۹۹۳) و شکست یا موفقیت در والدگری، زمینه‌ساز مسیر تحول آتی آن‌ها است.

از مشکلات رایج در زمینه اثرات الگوی ارتباطی منفی مادر بر کودک، پرخاشگری کودکان<sup>۱</sup> است که می‌توان آن را اعمال یا رفتارهای عمدی با هدف صدمه جسمی، روانی یا رابطه‌ای به دیگران تعریف کرد (یون، تبن و لی، ۲۰۱۷). در سبب‌شناسی مشکلات رفتاری و هیجانی دوران کودکی، بستر نظری دلبستگی توانسته است سهم تجارب اولیه یعنی پیوند عاطفی پایدار و عمیق بین فرزند و اغلب مادر به‌عنوان مراقب اصلی را در سازش‌یافتگی روانی کودکان به‌صورت نظری و تجربی روشن سازد (بالبی، ۱۹۷۳). به‌عقیده نظریه‌پردازان دلبستگی، الگوی واکنش فرد به فشارهای محیط متأثر از تجربه روابط اولیه مادر فرزند است و بسیاری از کودکان مبتلا به مشکلات رفتاری، الگوهای دلبستگی ناپایمن دارند که نشان‌دهنده پاسخ احتمالی به والد غیرقابل دسترس است (اسکات، ۱۹۹۸). در واقع، ادراک مادر از دلبستگی با مراقبان اولیه، پیش‌بینی‌کننده مهم رفتارهای پرخاشگرانه کودکان است و الگوهای درونی دلبستگی مبین مکانیزم اثر تعامل والد-کودک بر پیامدهای تحولی است (دژکو وانچک، جانوش و جوزفیک، ۲۰۲۰؛ سیدموسوی و نوری‌مقدم، ۲۰۱۶).

پژوهش‌ها در چهارچوب نظریه دلبستگی در دهه‌های اخیر با تمرکز بر مکانیزم‌های بین‌ذهنی تفکر یعنی کنش تأملی<sup>۲</sup> یا ذهنی‌سازی<sup>۳</sup> که اساساً از بافت دلبستگی اولیه نشأت می‌گیرد (لویتن، نایسنس، و فوناگی، ۲۰۱۷)، بسیاری از رفتارهای

مادران در ارتباط با کودکان خردسال خود و به‌دنبال آن پیامدهای تحولی در سال‌های نخستین زندگی را توجیه می‌کند (کازمینی، سپهری شاملو، مشهدی و مدرس غروی، ۲۰۱۸). این سازه به ظرفیت مادر در تجسم کودک خود به‌مثابه موجودی اشاره دارد که از طریق حالت‌های درونی ذهنی همچون احساسات، خواسته‌ها و امیال برانگیخته می‌شود (فوناگی، گرگلی و تارگت، ۲۰۰۷). لویتن و دیگران (۲۰۱۷) تأکید کرده‌اند که توانایی کنش تأملی مادر در رفتارهای نظم‌دهی هیجان کودک به‌عنوان ظرفیت شکل‌گیری روابط دلبستگی ایمن نقش قابل توجهی دارد. نتایج پژوهش‌های دیگر حاکی از روابط معکوس کنش تأملی مادران با مشکلات درونی‌سازی و برونی‌سازی<sup>۴</sup> کودکان (اینسینک، بگین، نورماندین و فوناگی، ۲۰۱۷؛ سالو و دیگران، ۲۰۲۱) و رابطه مثبت آن با تحول هیجانی و اجتماعی آن‌ها است (نایسنس، ولایگن و لویتن، ۲۰۲۰). یافته‌های گودرزی (۲۰۲۰) نیز این نکته را آشکار کرده است که سطوح مختلف کنش تأملی مادر با واسطه‌گری نظم‌دهی هیجان کودک، توانایی تبیین پرخاشگری کودکان را دارد. مادران با علاقه و کنجکاوی فعال نسبت به عواطف، احساسات و خواسته‌های کودک خود و ورود به دنیای ذهنی او، موجب می‌شوند هر دو، رفتار پرخاشگرانه را تلاشی بیهوده برای برقراری ارتباط بدانند که احساسات آن‌ها را در خود غرق می‌کند و در نتیجه درمی‌یابند که به درک و بیان مناسب این احساسات نیاز دارند (اسمالینگ و دیگران، ۲۰۱۷).

از سوی دیگر، در میان عوامل خطر رفتارهای پرخاشگرانه دوران کودکی، بدرفتاری مراقب سهم قابل توجهی را به خود اختصاص داده و یافته‌های پژوهشی در این قلمرو تأیید می‌کند که کودکان با تجربه بدرفتاری و خشونت والدین، بیشتر در معرض خطر بروز رفتارهای پرخاشگرانه قرار دارند (اوسلندر، استرزینگ، ترلفال، گرک و ادموند، ۲۰۱۶؛ ران، ژانگ، ژانگ، لی و چن، ۲۰۲۲؛ یون و دیگران، ۲۰۱۷). این امر به‌ویژه در کودکان خردسال

1 - child aggression  
2 - reflective functioning

3 - mentalization  
4 - child internalization and externalization problems

ناموفق تبدیل شود. از سوی دیگر سبب‌شناسی پدیده بدرفتاری با کودک نشان می‌دهد بین مادران آزارگر و غیرآزارگر تفاوت معناداری در ظرفیت‌های تعاملی و حساسیت والدینی همچون همدلی و گرمی وجود دارد و مادران آزارگر انتظارات نامناسب والدینی و نیز ادراک منفی از کودکانشان دارند (واکر و دیویس، ۲۰۱۰). روسو (۲۰۲۲) در پژوهش خود نشان داده است والدینی که با فرزندان خود بدرفتاری می‌کنند، به دلیل توانایی ذهنی‌سازی پایین، در برابر موضع‌های تأملی نسبت به حالت‌های ذهنی کودک مقاومت دارند که ویژگی شاخص پیش‌ذهنی‌سازی، یعنی نبود کنش تأملی در مادر است و با ادراک‌ها، اسنادهای منفی و بدخواهانه درباره کودک همراه می‌شود (لویتن و دیگران، ۲۰۱۷). مادرانی که ادراک نامناسب از دنیای ذهنی کودک و در نتیجه کنش تأملی ناکافی دارند، مشکلات بیشتری در نظم‌دهی هیجان‌های منفی در زمینه والدگری نشان می‌دهند (رادرفورد، بوث، لویتن، برایت و مایز، ۲۰۱۵) که خود می‌تواند توان بدرفتاری با کودک را افزایش دهد (میراگلی، میلانی، بلاسیو و کامیاساسکا، ۲۰۲۰). در مجموع شواهد پژوهشی این نکته را تأیید می‌کند که شکست در فرایندهای ذهنی‌سازی، عاملی خطرناک برای دست زدن به اقدامات خشونت‌آمیز است (فرالی و دیگران، ۲۰۲۱).

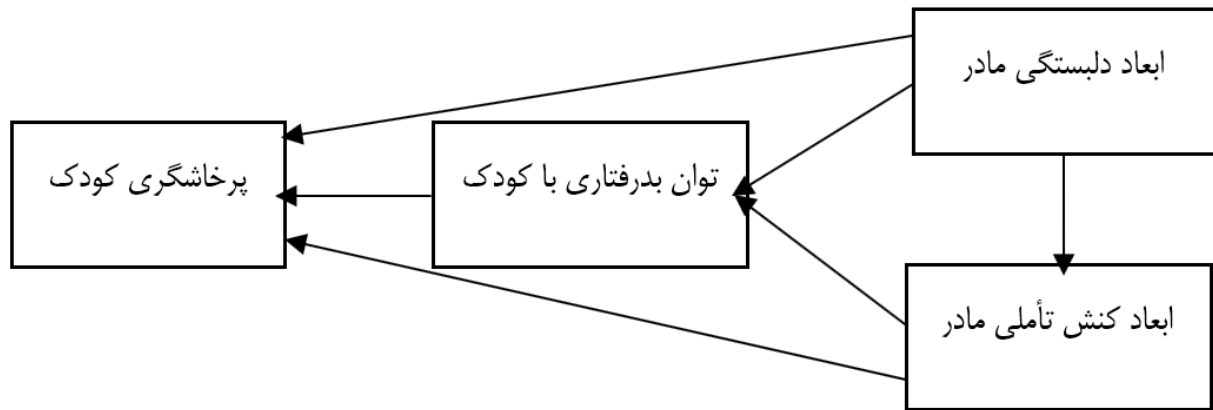
بنابر آنچه گفته شد، انتظار می‌رود کیفیت دلبستگی و کنش تأملی مادر به‌عنوان پایگاه ارتباط عاطفی (بالبی، ۱۹۷۳؛ میکولینسر و شیور، ۲۰۰۸) خطر بدرفتاری با کودک را تبیین کند. اگرچه چندین پژوهش اثرات مستقیم دو سازه دلبستگی و کنش تأملی مادر را در مشکلات رفتاری کودک از جمله پرخاشگری مورد بررسی قرار داده‌اند (اسمالینگ و دیگران، ۲۰۱۷؛ اینسینک و دیگران، ۲۰۱۷؛ دژکو وانچک و دیگران، ۲۰۲۰؛ سالو و دیگران، ۲۰۲۱؛ گودرزی، ۲۰۲۰)، نقش متغیرهای واسطه‌ای اغلب نادیده گرفته شده است. با توجه به گستره نظری و پژوهشی به‌نظر می‌رسد توان بدرفتاری با کودک بتواند روابط بین ابعاد دلبستگی و کنش تأملی مادر با پرخاشگری سنین پیش‌دبستانی

که به دلیل وابستگی بیشتر به مادر و دشواری بالاتر در نظم‌دهی هیجان‌های خود آسیب‌پذیرترند، اهمیت ویژه‌ای می‌یابد (بلسکی، ۱۹۹۳). بدرفتاری با کودک هر نوع آسیب جسمانی، روانی، جنسی یا غفلت از کودک است که توسط والدین یا دیگرانی که با او ارتباط دارند، صورت گرفته و می‌تواند کودک را از سلامت روانی محروم سازد (سازمان بهداشت جهانی، ۲۰۱۴؛ نقل از انصاری، فرخ‌بخش و نعیمی، ۲۰۲۰). در پژوهش‌های اخیر مفهوم توان بدرفتاری با کودک اغلب به‌عنوان نوعی نماینده برای فهم بدرفتاری با کودک عمل می‌کند که از منظر اندازه‌گیری با چالش‌های کمتری روبرو است (اسپینوزا و دیگران، ۲۰۱۷). بر این اساس توان بدرفتاری با کودک، احتمال بروز بدرفتاری از سوی مادر در خلال شیوه‌های تربیتی است که در بافت خانواده به کار می‌رود (دیتریج و دیگران، ۲۰۱۸). طبق گزارش فریر و دیگران (۲۰۱۷)، این سازه به‌خوبی می‌تواند فقر کارکردهای سازش‌یافته کودک را پیش‌بینی کند.

پژوهش‌ها نشان می‌دهد توان بدرفتاری با کودک خود به‌طور معناداری با سطوح ضعیف دلبستگی مادر مرتبط است. به این معنا که ادراک ضعیف مراقب از دلبستگی به والدینش یعنی ادراک میزان در دسترس و پاسخگو بودن و حمایت عاطفی آن‌ها می‌تواند بدکارکردی راهبردهای والدگری و توان بدرفتاری در رابطه با کودک را پیش‌بینی کند (رودریگز و توکر، ۲۰۱۱؛ هاوارد، ۲۰۱۰). لو، چان و ای‌پی (۲۰۱۹) نیز گزارش داده‌اند که دلبستگی ناایمن مادران با برخی از ویژگی‌های مرتبط با بدرفتاری مانند سطوح پایین رفتار حمایتی و مدیریت ضعیف خشم نسبت به کودک همراه است. هنگامی که مادران دلبسته ناایمن در روابط متقابل با فرزندان خود رفتارهای مخرب را در پیش می‌گیرند، ممکن است این پیام ضمنی را منتقل کنند که نیازها و احساسات آن‌ها مهم نیستند (فینی، ۲۰۰۶). میکولینسر (۱۹۹۸) این رفتارهای مخرب را برآیند الگوهای درونی دلبستگی فرد بزرگسال می‌داند که می‌تواند به خشم ناکارآمد و نظم‌دهی هیجانی

توان بدرفتاری با کودک در رابطه بین ابعاد دلبستگی و کنش تأملی مادر با پرخاشگری کودکان پیش‌دبستانی در قالب یک مدل تحلیل مسیر است (شکل ۱).

را تبیین کند. با این حال، هیچ‌یک از پژوهش‌ها بر نقش احتمالی توان بدرفتاری در این رابطه متمرکز نبوده است. بنابراین هدف این پژوهش تعیین نقش واسطه‌ای



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

## روش

این پژوهش از لحاظ هدف بنیادی و از لحاظ روش از نوع همبستگی بود که روابط میان متغیرها را در قالب تحلیل مسیر مورد بررسی قرار داد. جامعه آماری مادران دارای فرزند پیش‌دبستانی شهر مشهد در سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۴۰۰ بود. نمونه پژوهش به شیوه دسترس و بر اساس ملاک حداقل حجم نمونه برای مدل‌یابی معادلات ساختاری (کلاسن، ۲۰۱۱)، ۳۳۰ نفر انتخاب شد. ملاک‌های ورود به پژوهش آگاهی و رضایت مادران برای شرکت در پژوهش، دارا بودن فرزند ۴ تا ۶ سال، تحصیلات دیپلم و بالاتر و ملاک خروج، تک‌والد بودن بود. با انتشار آنلاین پرسشنامه‌ها، ۳۴۳ نفر در پژوهش شرکت کردند که پس از حذف ۶ مورد بر اساس ملاک خروج، نمونه پژوهش به ۳۳۷ نفر تقلیل یافت. میانگین سن کودکان ۵/۳۴ با انحراف استاندارد ۰/۷۳ بود و ۵۹/۳ درصد کودکان دختر بودند. میانگین و انحراف استاندارد سن مادران به ترتیب ۳۳/۹۹ و ۵/۰۹ (با دامنه سنی ۲۱ تا ۵۰ سال) بود. ۶۷/۷ درصد مادران تحصیلات دانشگاهی (۳۲/۳ درصد کاردانی، ۴۲/۲ درصد کارشناسی، ۳۷/۶ درصد کارشناسی ارشد و ۱۴/۸ درصد

دکتری) داشتند و ۷۰/۳ درصد مادران غیرشاغل بودند. به منظور گردآوری داده‌ها از ابزارهای زیر استفاده شد. **مقیاس پرخاشگری کودکان پیش‌دبستانی<sup>۱</sup>** (واحدی، فتحی‌آذر، حسینی‌نسب و مقدم، ۲۰۰۸). مقیاس ۴۳ ماده‌ای پرخاشگری کودکان پیش‌دبستانی که توسط مربی یا والد تکمیل می‌شود، بر اساس طیف لیکرت ۵ درجه‌ای از اصلا (صفر) تا اغلب روزها (نمره ۴) نمره گذاری می‌شود و نمره‌های آن بین صفر تا ۱۷۲ در نوسان است. ضریب اعتبار این مقیاس در پژوهش واحدی و دیگران (۲۰۰۸) با استفاده از آلفای کرونباخ، مطلوب و برابر با ۰/۹۸ برآورد شده است. برای بررسی روایی سازه این مقیاس به روش تحلیل عاملی از آزمون کفایت نمونه کیسر، مایر و اولکین<sup>۲</sup> استفاده شده که مقدار ۰/۹۵ به دست آمده است. سازندگان هم‌چنین برای بررسی روایی هم‌زمان، از ضریب همبستگی اسپیرمن بین نمره‌های رتبه‌بندی شده توسط روان‌پزشک و نمره‌های مقیاس پرخاشگری که به رتبه تبدیل شده بود، استفاده کردند. به این ترتیب همبستگی بین تشخیص روان‌پزشک و مقیاس اندازه‌گیری پرخاشگری ۰/۶۱ برآورد شد که در سطح

موافقم (نمره ۷) است که توسط مادر یا مراقب تکمیل می‌شود. این پرسشنامه سه عامل اصلی دارد که عبارتند از (۱) پیش‌ذهنی‌سازی که وضعیت عدم ذهنی‌سازی را ارزیابی می‌کند و مشخصه والدین دارای اختلال شدید در کنش تأملی است؛ (۲) قطعیت در مورد حالت‌های ذهنی<sup>۹</sup> که توانایی والدین را برای شناسایی ابهام در حالت‌های ذهنی ارزیابی می‌کند و (۳) علاقه و کنجکاوی در مورد حالت‌های ذهنی<sup>۱۰</sup> که نشان‌دهنده کنجکاوی فعال و تمایل به درک وضعیت ذهنی کودک است. سازندگان این پرسشنامه اعتبار آن را با روش ضریب آلفای کرونباخ برای هریک از عوامل پیش‌ذهنی‌سازی، قطعیت درباره حالت ذهنی و علاقه و کنجکاوی درباره حالت ذهنی به ترتیب ۰/۸۲، ۰/۷۰ و ۰/۷۵ به دست آورده‌اند. در بررسی روایی با روش تحلیل عاملی اکتشافی، آزمون اسکری این سه عامل اصلی را به وضوح شناسایی کرده که در مجموع ۳۱/۲۴ درصد از واریانس را تبیین می‌کند. در پژوهش فتحی، امین‌بزدی، کارشکی و آهنچیان (۲۰۲۰) اعتبار کل پرسشنامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۶۰ و برای هریک از عوامل پیش‌ذهنی‌سازی، قطعیت درباره حالت ذهنی، علاقه و کنجکاوی در مورد حالت‌های ذهنی به ترتیب ۰/۸۷، ۰/۷۲ و ۰/۷۲ برآورد شد. روایی سازه این پرسشنامه نیز با استفاده از شاخص کفایت نمونه کیسر، مایر و اولکین ۰/۸۵ گزارش شده است. در این پژوهش ضریب آلفای کرونباخ برای هریک از عوامل پیش‌ذهنی‌سازی، قطعیت درباره حالت ذهنی، علاقه و کنجکاوی در مورد حالت‌های ذهنی به ترتیب ۰/۶۵، ۰/۷۴ و ۰/۷۱ به دست آمد.

### مقیاس بازنگری شده دلبستگی بزرگسال<sup>۱۱</sup>

(کالینز، ۱۹۹۶). این مقیاس نوعی ارزیابی از مهارت‌های ایجاد روابط است و در قالب ۱۸ ماده، نحوه شکل‌دهی به دلبستگی‌های نزدیک را می‌سنجد. سازنده در مقیاس

۰/۰۱ معنادار بود. در این پژوهش ضریب اعتبار مقیاس به روش آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۶۹ به دست آمد. **فرم کوتاه سیاهه توان بدرفتاری با کودک<sup>۱</sup>** (آندرسما، چافینز، مولینز و لی‌برتون، ۲۰۰۵). این ابزار که فرم کوتاه سیاهه توان بدرفتاری با کودک (میلنر، ۱۹۸۶) است، برای سنجش احتمال بدرفتاری با کودک طراحی شده است. فرم کوتاه سیاهه توان بدرفتاری با کودک، ابزاری ۳۴ ماده‌ای است و ماده‌های آن در قالب لیکرت دو درجه‌ای مخالفم (صفر) و موافقم (نمره ۱) تنظیم شده‌اند. طراحان برای تهیه فرم کوتاه این سیاهه، در انتخاب ماده‌ها از بین ۱۶۰ ماده سیاهه اصلی توان بدرفتاری با کودک، پنج معیار را مورد توجه قرار داده‌اند: (۱) واریانس نمره‌ها<sup>۲</sup>؛ (۲) قدرت پیش‌بینی گزارش سرویس‌های حفاظت از کودک در آینده<sup>۳</sup>؛ (۳) تغییرناپذیری ماده‌ها<sup>۴</sup> در جنس، سن و قومیت‌های گوناگون<sup>۴</sup>؛ (۴) ثبات عامل<sup>۵</sup> و (۵) خوانا و قابل قبول بودن<sup>۶</sup>. برای بررسی روایی، از همبستگی فرم کوتاه با زیرمقیاس خطر بدرفتاری<sup>۷</sup> در مقیاس اصلی میلنر (۱۹۸۶) استفاده شد و مقدار ۰/۹۶ به دست آمد. هم‌چنین ضریب اعتبار این سیاهه به روش کودر ریچاردسون ۰/۸۹ گزارش شده است. صادق‌زاده و دیگران (۲۰۱۹) این سیاهه را در مورد ۳۰۰ نفر از مادران اجرا کردند و براساس تحلیل عاملی نتایج تنها یک عامل کلی به دست آمد. اعتبار این سیاهه در نمونه ایرانی با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۷ برآورد شد. در بررسی روایی نیز از همبستگی ماده‌ها با نمره کل استفاده شد و مقدار آن ۰/۶۱ بود. اعتبار کل سیاهه در این پژوهش با روش آلفای کرونباخ ۰/۷۸ به دست آمد. **پرسشنامه کنش تأملی والدینی<sup>۸</sup>** (لویتن، مایز، نایسنس، فوناگی، ۲۰۱۷). این پرسشنامه یک ابزار خودگزارش‌دهی ۱۸ ماده‌ای در قالب طیف لیکرت ۷ درجه‌ای از کاملاً مخالفم (نمره ۱) تا کاملاً

- 1 - Brief Child Abuse Potential Inventory (BCAPI)
- 2 - variance
- 3 - prediction of future child protective services reports
- 4 - item invariance
- 5 - factor stability

- 6 - readability and acceptability
- 7 - abuse risk
- 8 - Parental Reflective Functioning Questionnaire (PRFQ)
- 9 - certainty about the mental states (CM)
- 10 - interest and curiosity in the mental states (IC)
- 11 - Revised Adult Attachment Scale (RAAS).

بازنگری شده، دو ساختار عاملی جداگانه را شناسایی کرده است: ساختار سه‌بعدی شامل الف) راحتی به نزدیکی با دیگران<sup>۱</sup>، ب) راحتی به وابستگی به دیگران<sup>۲</sup> و ج) اضطراب در روابط<sup>۳</sup> و ساختار دو‌بعدی شامل اجتناب<sup>۴</sup> و اضطراب<sup>۵</sup> در رابطه با دلبستگی است. ماده‌های این مقیاس با استفاده از طیف لیکرت ۵ درجه‌ای از کاملاً مخالفم (نمره ۰) تا کاملاً موافقم (نمره ۴) نمره‌گذاری می‌شود. کالینز (۱۹۹۶) اعتبار دو بُعد اجتناب و اضطراب دلبستگی را با روش آلفای کرونباخ به ترتیب ۰/۸۸ و ۰/۸۳ گزارش کرده است. همبستگی برآورد شده بین زیرمقیاس‌های ابزار با سازه‌های دیگر نشان‌دهنده روایی همگرایی مطلوب مقیاس است. برای مثال، ضرایب همبستگی ساختار سه‌بعدی با مقیاس حرمت خود<sup>۶</sup> روزنبرگ (۱۹۶۵) به ترتیب برای ابعاد نزدیکی، وابستگی و اضطراب ۰/۱۹، ۰/۱۳ و ۰/۲۹- بود. در ایران عسگری‌زاده، پاکدامن، هونجانی و قنبری (۲۰۲۳) ضریب آلفای کرونباخ برای دو بُعد اجتناب و اضطراب

جدول ۱

شاخص‌های توصیفی و ضرایب همبستگی متغیرهای پژوهش

متغیرها	M	SD	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۱. اضطراب دلبستگی	۹/۰۶	۵/۷۶	-					
۲. اجتناب دلبستگی	۲۰/۴۲	۶/۱۹	۰/۴۰**	-				
۳. پیش‌ذهنی‌سازی	۱۳/۲۷	۵/۳۴	۰/۳۰**	۰/۲۲**	-			
۴. قطعیت در حالت‌های ذهنی	۲۷/۲۸	۷/۰۱	-۰/۱۵**	-۰/۱۰	-۰/۲۴**	-		
۵. علاقه و کنجکاوی به حالت‌های ذهنی	۳۵/۹۸	۴/۵۱	-۰/۱۶**	-۰/۰۳	-۰/۲۶**	۰/۳۴**	-	
۶. توان بدرفتاری با کودک	۱۱/۳۴	۶/۳۴	۰/۵۸**	۰/۴۰**	۰/۳۶**	-۰/۱۸**	-۰/۱۲*	-
۷. پرخاشگری	۳۳/۶۰	۲۱/۷۰	۰/۱۸**	۰/۱۱*	۰/۳۸**	-۰/۳۲**	-۰/۳۰**	۰/۳۴**

\*\*P<۰/۰۱ \*P<۰/۰۵

دلبستگی رابطه معناداری با این متغیرها ندارد. بین پیش‌ذهنی‌سازی و توان بدرفتاری با کودک و پرخاشگری روابط مثبت معنادار و بین قطعیت در حالت‌های ذهنی و علاقه و کنجکاوی به حالت‌های ذهنی با پرخاشگری رابطه منفی معنادار وجود دارد (P<۰/۰۰۱).

نتایج جدول ۱ نشان می‌دهد اضطراب و اجتناب دلبستگی با پیش‌ذهنی‌سازی، توان بدرفتاری با کودک و پرخاشگری رابطه مثبت دارند (P<۰/۰۵). اضطراب دلبستگی با قطعیت در حالت‌های ذهنی و علاقه و کنجکاوی به حالت‌های ذهنی رابطه منفی دارد (P<۰/۰۰۱). اما اجتناب

1 - comfort with closeness

2 - comfort depending on others

3 - anxiety in relationship

4 - attachment avoidance

5 - attachment anxiety

6 - Rosenberg Self Esteem Scale

7 - Difficulties in Emotion Regulation Scale

8 - Mahalanobis

دلبستگی را به ترتیب ۰/۷۶ و ۰/۸۳ به دست آورده‌اند که نشان‌دهنده اعتبار بالایی این مقیاس است. به منظور بررسی روایی همگرایی نیز ضرایب همبستگی این دو بُعد با مقیاس دشواری در نظم‌جویی هیجان<sup>۷</sup> (کافمن و دیگران، ۲۰۱۶) برآورد شده که طبق گزارش همبستگی سازه دشواری در نظم‌جویی هیجان با بُعد اضطراب ۰/۶۰ و با بُعد اجتناب ۰/۴۴ به دست آمده است. در این پژوهش از ساختار دو‌بعدی استفاده شد و اعتبار مقیاس با روش آلفای کرونباخ برای دو عامل اضطراب و اجتناب به ترتیب ۰/۷۴ و ۰/۶۸ به دست آمد. تحلیل داده‌ها با آزمون تحلیل مسیر انجام شد.

یافته‌ها

پیش از تحلیل آماری به غربالگری و شناسایی پرت‌های تک‌متغیری با نمودار جعبه‌ای و پرت‌های چندمتغیری با آماره ماهالانوبیس<sup>۸</sup> پرداخته شد. شاخص‌های توصیفی و ضرایب همبستگی متغیرهای پژوهش در جدول ۱ آمده است.

شاخص‌های اصلاح، برقراری کوواریانس میان خطاهای پیش‌ذهنی‌سازی، قطعیت در حالت‌های ذهنی و علاقه و کنجکاوی به حالت‌های ذهنی را پیشنهاد می‌کرد که با مبنای نظری همخوان بود. بر این اساس به حذف مسیرهای غیرمعنادار و برقراری کوواریانس خطاها پرداخته شد. شاخص‌های برازش مدل اصلاح شده در جدول ۲ آمده است.

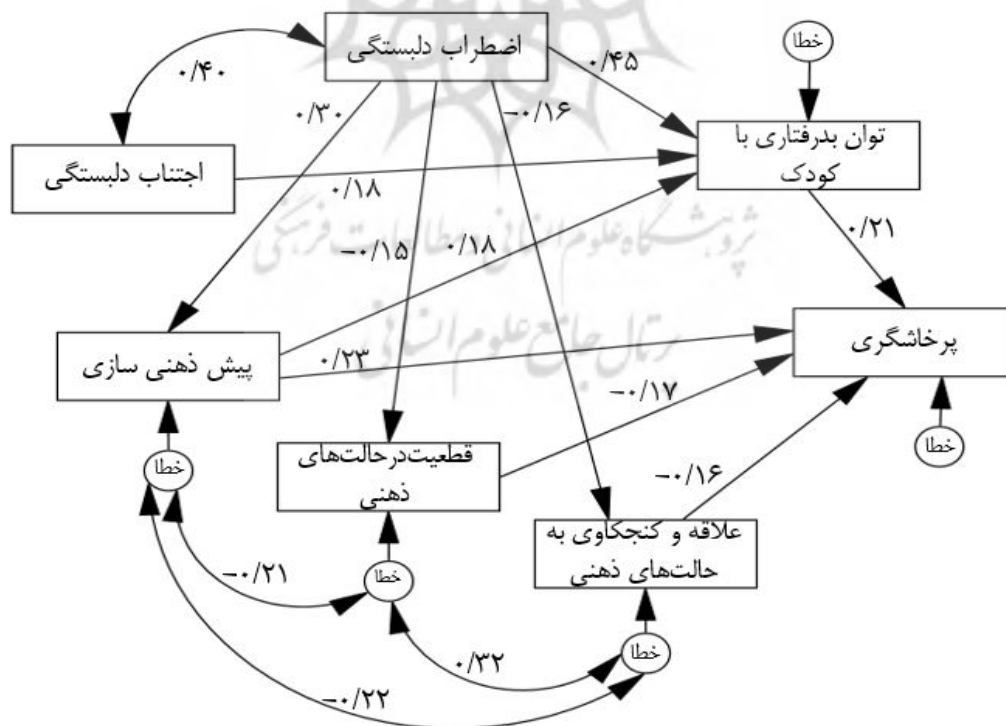
در بررسی مفروضات تحلیل مسیر نرمال بودن تک‌متغیری و چندمتغیری، عدم هم‌خطی چندگانه<sup>۱</sup> متغیرهای پیش‌بین و استقلال خطاها بررسی و تأیید شد. پس از تحقق مفروضات، برآورد مدل با روش بیشینه‌درست‌نمایی<sup>۲</sup> انجام شد. بررسی ضرایب مسیر در تحلیل اولیه نشان داد که شاخص‌های برازش مدل اولیه در سطح مطلوبی قرار نداشتند. علاوه بر آن جدول ۲

شاخص‌های برازش مدل اولیه و اصلاح شده

مدل	$\chi^2$	df	P	$\chi^2/df$	GFI	AGFI	CFI	NFI	RMSEA
اولیه	۶۰/۷۱	۳	۰/۰۰۱	۲۰/۲۴	۰/۹۴	۰/۵۱	۰/۷۸	۰/۸۷	۰/۲۴
اصلاح شده	۱۰/۹۳	۷	۰/۱۴	۱/۵۶	۰/۹۹	۰/۹۶	۰/۹۹	۰/۹۸	۰/۰۴
مقادیر قابل قبول	-	-	>۰/۰۵	۳>X<۱	>۰/۹۵	>۰/۸۵	>۰/۹۵	>۰/۹۵	<۰/۰۵

تقریباً ۰/۰۴<sup>۳</sup> است که نشان از مطلوب بودن مدل دارند. مدل اصلاح شده در شکل ۱ و برآورد روابط مستقیم، غیرمستقیم و کل با روش بوت‌استرپ<sup>۴</sup> در جدول ۳ آمده است.

جدول ۲ نشان می‌دهد که نسبت‌های دو به درجات آزادی برابر با ۱/۵۶، شاخص‌های برازندگی<sup>۵</sup>، برازندگی تعدیل‌یافته<sup>۶</sup>، برازندگی مقایسه‌ای<sup>۷</sup> و برازندگی تطبیقی بزرگتر از ۰/۹۵ و مقدار ریشه دوم واریانس خطای



شکل ۲. مسیر و ضرایب استاندارد شده مدل اصلاح شده پیش‌بینی پرخاشگری پیش‌دستانی

- 1 - multicollinearity
- 2 - maximum likelihood
- 3 - Goodness of Fit Index (GFI)
- 4 - Adjusted Goodness of Fit Index (AGFI)
- 5 - Comparative Fit Index (CFI)
- 6 - Normed Fit Index (NFI)
- 7 - Root Mean Square Error of Approximation (RMSEA)
- 8 - Bootstrapping

اثر غیرمستقیم		اثر مستقیم		مسیر
P	β	P	β	
-	-	۰/۰۰۱	۰/۳۰	اضطراب دلبستگی ← پیش‌ذهنی‌سازی
-	-	۰/۰۰۹	-۰/۱۵	اضطراب دلبستگی ← قطعیت در حالت‌های ذهنی
-	-	۰/۰۰۷	-۰/۱۶	اضطراب دلبستگی ← علاقه و کنجکاوی به حالت‌های ذهنی
۰/۰۰۱	۰/۰۶	۰/۰۰۱	۰/۴۵	اضطراب دلبستگی ← پیش‌ذهنی‌سازی ← توان بدرفتاری با کودک
۰/۰۰۱	۰/۱۲	-	-	اضطراب دلبستگی ← پیش‌ذهنی‌سازی ← پرخاشگری
۰/۰۰۱	۰/۰۴	-	-	اضطراب دلبستگی ← پیش‌ذهنی‌سازی ← توان بدرفتاری با کودک ← پرخاشگری
۰/۰۰۱	۰/۲۰	-	-	اضطراب دلبستگی ← توان بدرفتاری با کودک ← پرخاشگری
۰/۰۰۷	۰/۰۵	-	-	اضطراب دلبستگی ← قطعیت در حالت‌های ذهنی ← پرخاشگری
۰/۰۰۲	۰/۰۵	-	-	اضطراب دلبستگی ← علاقه و کنجکاوی به حالت‌های ذهنی ← پرخاشگری
-	-	۰/۰۰۱	۰/۱۸	اجتناب دلبستگی ← توان بدرفتاری با کودک
۰/۰۰۱	۰/۱۴	-	-	اجتناب دلبستگی ← توان بدرفتاری با کودک ← پرخاشگری
-	-	۰/۰۰۲	۰/۱۸	پیش‌ذهنی‌سازی ← توان بدرفتاری با کودک
۰/۰۰۱	۰/۱۲	۰/۰۰۱	۰/۲۳	پیش‌ذهنی‌سازی ← توان بدرفتاری با کودک ← پرخاشگری
-	-	۰/۰۰۱	-۰/۱۷	قطعیت در حالت‌های ذهنی ← پرخاشگری
-	-	۰/۰۰۱	-۰/۱۶	علاقه و کنجکاوی به حالت‌های ذهنی ← پرخاشگری
-	-	۰/۰۰۱	۰/۲۱	توان بدرفتاری با کودک ← پرخاشگری

بدرفتاری با کودک بر پرخاشگری اثر غیرمستقیم دارد ( $\beta=0/04, P<0/001$ ). اثرات غیرمستقیم اضطراب دلبستگی بر پرخاشگری کودک به واسطه هریک از مسیرهای پیش‌ذهنی‌سازی ( $\beta=0/12, P<0/001$ )، قطعیت در حالت‌های ذهنی ( $\beta=0/05$ ) و علاقه و کنجکاوی به حالت‌های ذهنی ( $\beta=0/05$ ) نیز معنادار است ( $P<0/01$ ). معناداری مسیر اضطراب دلبستگی بر پرخاشگری به‌واسطه توان بدرفتاری با کودک نیز تأیید شد ( $\beta=0/20, P<0/001$ ). سایر نتایج نشان‌دهنده آن است که تنها اثر غیرمستقیم اجتناب دلبستگی بر پرخاشگری به‌واسطه توان بدرفتاری با کودک است ( $\beta=0/14, P<0/001$ ).

میزان واریانس تبیین شده پرخاشگری برحسب اضطراب و اجتناب دلبستگی، ابعاد کنش تأملی مادر و توان بدرفتاری با کودک برابر با ۰/۲۶ بود. علاوه بر آن ۰/۳۹ از تغییرات توان بدرفتاری با کودک بر اساس

بررسی ضرایب مسیر در شکل ۱ و جدول ۳ نشان می‌دهد اضطراب و اجتناب دلبستگی اثر مستقیم و معناداری بر پرخاشگری ندارند ( $P>0/05$ ). اما اثرات مستقیم ابعاد کنش تأملی مادر و توان بدرفتاری با کودک بر این متغیر معنادارند ( $P<0/001$ ). در این میان پیش‌ذهنی‌سازی و توان بدرفتاری با کودک اثر مثبت و قطعیت در حالت‌های ذهنی و علاقه و کنجکاوی به حالت‌های ذهنی اثر منفی بر پرخاشگری دارند. بیشترین اثر مستقیم نیز به پیش‌ذهنی‌سازی و توان بدرفتاری با کودک تعلق دارد (به‌ترتیب ۰/۲۳ و ۰/۲۱). بررسی سایر اثرات مستقیم نشان می‌دهد که اضطراب و اجتناب دلبستگی و نیز پیش‌ذهنی‌سازی بر توان بدرفتاری با کودک اثر معنادار دارند و اضطراب دلبستگی دارای بیشترین اثر است ( $\beta=0/45, P<0/001$ ). بررسی اثرات غیرمستقیم نشان می‌دهد اضطراب دلبستگی از طریق مسیر پیش‌ذهنی‌سازی، توان



اضطراب و اجتناب دلبستگی و ابعاد کنش تأملی مادر قابل تبیین بود.

## بحث

این پژوهش به منظور تبیین رابطه ابعاد دلبستگی و کنش تأملی مادر با پرخاشگری کودکان پیش‌دبستانی از طریق واسطه‌گری توان بدرفتاری با کودک صورت گرفت. یافته‌ها نشان داد که مدل نهایی پژوهش از برازش مطلوبی برخوردار است. همسو با نتایج دژکو وانچک و دیگران (۲۰۲۰)، روسو (۲۰۲۲)، سالو و دیگران (۲۰۲۱) و فرالی و دیگران (۲۰۲۱)، یافته‌های این پژوهش شواهد مضاعفی از شکل‌گیری رفتار پرخاشگرانه کودک بر پایه تجارب دلبستگی مادر و مکانیزم‌های بین‌ذهنی آن یعنی کنش تأملی با اثر واسطه‌ای توان بدرفتاری با کودک ارائه می‌دهد.

هم‌راستا با نتایج رودریگز و توکر (۲۰۱۱)، لو و دیگران (۲۰۱۹) و هاوارد (۲۰۱۰) که شواهدی دال بر اثرات دلبستگی در رفتارهای مرتبط با کودک‌آزاری یا احتمال بروز آن است، این پژوهش نشان داد که فراتر از یافته‌های پیشین، چگونه اضطراب دلبستگی مادر از طریق مؤلفه پیش‌ذهنی‌سازی، قادر به پیش‌بینی توان بدرفتاری با کودک است و هم به واسطه توان بدرفتاری، افزایش رفتار پرخاشگرانه سنین پیش‌دبستانی را تبیین می‌کند. بر اساس مدل نهایی، مادران دلبسته اضطرابی با احساس غالب بی‌ارزشی و تردید نسبت به خود، آمادگی زیادی در ادراک منفی از کودک دارند (میلنر، ۱۹۹۳). به علاوه نگرانی شایع، خشم، ناکارآمدی و سوگیری‌های اسنادی خصمانه (میکولینسر، ۱۹۹۸) موجب می‌شود در تفسیرهای خود اثرات منفی یک رویداد را به حداکثر برسانند که مشخصه پیش‌ذهنی‌سازی، یعنی نبود کنش تأملی یا اختلال شدید در آن است. به این ترتیب، انکار یا دفاع مادر در برابر ذهنی‌سازی یا عدم توانایی در ورود به دنیای ذهنی کودک که با تمایل به اسنادهای بدخواهانه در مورد او مشخص می‌شود (لویتن و دیگران، ۲۰۱۷) آغازگر تجربه‌های تنیدگی‌زا با فرزندش خواهد بود. همسو با یافته‌های روسو (۲۰۲۲)، چنین مادرانی که

اغلب از تاریخچه عاطفی دلبستگی نایمن و حمایت ناکافی رنج برده‌اند، فاقد کنش تأملی کافی برای درک تأثیرات بسیار منفی غفلت و بدرفتاری هستند که به دلیل آسیب شدید ظرفیت آن‌ها در مفهوم‌سازی خود و فرزندانشان به‌عنوان موجوداتی دارای حالت‌های ذهنی، باورها و خواسته‌ها است و احتمالاً به شکل بین‌نسلی از والدین اولیه آن‌ها دریافت شده است. به این ترتیب انتظار می‌رود پیش‌ذهنی‌سازی به‌مثابه سدی در برابر ادراک خواسته‌ها، تمایلات و نیازهای کودک عمل کند که باعث می‌شود مادر نتواند پاسخ‌دهی عاطفی، شناختی و نیز پاسخ‌های کمک لازم را برای مراقبت از فرزند خود پرورش دهد و در عوض به راهبردهای سازش‌نا یافته و خشونت‌آمیز روی بیاورد که این شرایط توان مادر را برای بدرفتاری با کودک افزایش می‌دهد. بنابراین احتمال می‌رود چنین فرزندان کودکی آسیب‌پذیر نسبت به فشارهای محیط باشند و الگوهای شبیه به آنچه از مراقبان خود دریافت‌اند را در کنار آمدن با تنیدگی‌ها پرورش دهند که آن‌ها را مستعد مشکلات رفتاری و هیجانی از جمله رفتارهای پرخاشگرانه می‌سازد.

دیگر یافته‌ها نشان داد تنها اثر اجتناب دلبستگی مادر بر پرخاشگری فرزند به صورت غیرمستقیم و از طریق توان بدرفتاری با کودک است. این شواهد تقریباً از یافته‌های هاوارد (۲۰۱۰) مبنی بر این که پدران نایمن اجتنابی کمتر به‌طور فعال در یادگیری مراحل تحول فرزندانشان درگیر می‌شوند، حمایت می‌کند. افراد اجتنابی برخلاف والدین دچار اضطراب دلبستگی که از نظر عاطفی واکنش‌پذیر هستند، تمایل دارند عواطف خود را به حداقل رسانده و از دیگران فاصله بگیرند (لو و دیگران، ۲۰۱۹). رفتارهایی نظیر طرد، عدم تعامل مبتنی بر رفتارهای کمکی، مهار بیان کلامی و غیر کلامی احساسات، انکار عواطف و انحراف توجه خود از درگیری هیجانی و عاطفی در این مادران (میکولینسر، ۲۰۱۹) منجر به پاسخ‌های حمایتی ناکافی به نیازهای کودک می‌شود که مصادیق سوء رفتار است و توان بدرفتاری مادر را افزایش می‌دهد.

بنابراین انتظار می‌رود رفتار پرخاشگرانه کودک پاسخ بین نسلی به خصوصیات نایمن دلبستگی باشد که مادر از طریق راهبردهای ناکارآمد والدگری خود به او منتقل کرده است.

به‌رغم اضطراب، اجتناب مرتبط با دلبستگی مادر از هیچ‌یک از مسیرهای کنش تأملی قادر به پیش‌بینی معنادار پرخاشگری کودک نبود. این یافته اگرچه با نظر فوناگی و دیگران (۲۰۰۷) مبنی بر وجود نوعی همبستگی میان جهت‌گیری‌های دلبستگی و ظرفیت ذهنی‌سازی ناهمسو است، هماهنگ با یافته هانفیلد و دیگران (۲۰۱۳) تفاوت‌هایی را در کیفیت‌های دلبستگی روشن می‌سازد. با توجه به نظر میکولینسر و شیور (۲۰۰۸) راهبردهای اجتنابی باید ناشی از عدم دسترسی مداوم به مراقبان باشد، در حالی که راهبردهای اضطرابی ناشی از در دسترس بودن سازش‌نیافته مراقبان است. به‌نظر می‌رسد در دسترس نبودن مداوم مراقب احتمالاً با بازنمایی ضعیف اما ثابت حالت‌های ذهنی و در دسترس بودن سازش‌نیافته مراقب با بازنمایی متناقض حالت‌های ذهنی کودک همراه باشد و اگرچه هر دو بازنمایی ضعیف و متناقض، کسب مهارت‌های ذهنی‌سازی را که برای تشخیص حالت‌های ذهنی ظریف ضروری است، دشوارتر می‌سازد (هانفیلد و دیگران، ۲۰۱۳)، به احتمال زیاد مشکلات ناشی از بازنمایی متناقض مادر از حالت‌های ذهنی فرزندش پیامدهای روانی منفی‌تری برای درک و شناسایی کودک درباره علت خشم و ناراحتی خود و در ادامه غلبه بر رفتارهای پرخاشگرانه به‌دنبال دارد.

از سوی دیگر همچون یافته‌های اینسینک و دیگران (۲۰۱۷) علاقه و کنجکاوی درباره حالت‌های ذهنی، نمرات پرخاشگری کودکان را کاهش می‌دهد. این خصیصه به‌عنوان مطلوب‌ترین سطح ذهنی‌سازی (لویتن و دیگران، ۲۰۱۷)، مادر را مجهز می‌کند تا با ورود به دنیای ذهن فرزند، به‌عنوان یک مربی برای درک و انعکاس وضعیت ذهنی او عمل کند که طی آن خودنظم‌دهی کودک تسهیل شده و توانایی مادر برای دیدن رفتار در قالب بیان حالت‌های هیجانی

قابل درک (نایسنس و دیگران، ۲۰۲۰)، به کودک در تنظیم رفتارهای پرخاشگرانه کمک می‌کند. یافته‌ها درباره بُعد قطعیت نسبت به حالت‌های ذهنی مشابه با شواهد به‌دست آمده از علاقه و کنجکاوی است. مادرانی که قطعیت بیشتری نسبت به حالت‌های ذهنی کودکان نشان دادند، نمره‌های پایین‌تری از پرخاشگری فرزندشان را گزارش کردند. این یافته برخلاف شواهدی است که لویتن و دیگران (۲۰۱۷) براساس آن زیرمقیاس قطعیت درباره حالت‌های ذهنی را به‌عنوان بُعدی منعکس‌کننده اطمینان بیش از حد، یعنی عدم شناخت ابهام نسبت به حالت‌های ذهنی تعریف کرده‌اند. همسو با یافته‌های این پژوهش، روستاد و ویتاکر (۲۰۱۶) نیز همبستگی مثبت بین قطعیت درباره حالت‌های ذهنی کودک و رفتارهای والدینی را گزارش دادند. آن‌ها اظهار می‌کنند ممکن است شرکت‌کنندگان دانش خود را از حالت‌های ذهنی فرزندشان بیش از حد تخمین زده باشند تا نسبت به خود به‌عنوان والد احساس بهتری کنند و یا واقعاً در اثر افزایش ارتباط با فرزندشان نسبت به حالت‌های ذهنی او مطمئن‌تر باشند. به نظر می‌رسد این یافته‌ها با باورهای فرهنگی مادران ایرانی نیز همخوان باشد. مادران در فرهنگ ایرانی غالباً تصور می‌کنند که ماده‌های مؤلفه قطعیت درباره حالت‌های ذهنی جنبه مثبت دارد. آن‌ها چنین می‌پندارند والد خوب کسی است که به‌طور کامل ذهن کودک را بخواند و بدون جویا شدن سؤال و علاقه نسبت به افکار و احساسات او، بداند چه می‌خواهد (گودرزی، ۲۰۲۰). بنابراین به نظر می‌رسد مادران به جای گزارش میزان واقعی قطعیت به حالت‌های ذهنی فرزند، قطعیت و اطمینان ادراک شده خود را گزارش داده‌اند که می‌تواند منجر به همبستگی منفی غیر واقعی با یک متغیر روانی شود. علاوه بر آن همان‌طور که انتظار می‌رفت، بین اضطراب دلبستگی مادر با پرخاشگری کودکان به واسطه دو بُعد علاقه و قطعیت درباره حالت‌های ذهنی، رابطه غیرمستقیم مثبت به‌دست آمد. این یافته همسو با فوناگی و دیگران (۲۰۰۷) تأیید می‌کند که

بدرفتاری با کودک تبیین می‌شود. همان‌گونه که انتظار می‌رفت، متغیرهای کنش تأملی و توان بدرفتاری با کودک هم نقش اثرپذیر و هم نقش اثرگذار دارند. به‌گونه‌ای که مادران با تاریخچه دلبستگی ناایمن، ناتوانی بیشتر در کنش تأملی و همزمان توان بالاتر در بدرفتاری با کودک را بروز می‌دهند و روابط این متغیرها بر شکل‌گیری رفتار پرخاشگرانه کودک اثر افزایش‌دهنده دارد. یافته‌های این پژوهش، ضرورت آموزش مادران جهت آگاهی از تجربه‌های دلبستگی خود، توجه به تجربیات درونی فرزندان و اینکه آن‌ها دارای حالت‌های ذهنی متفاوتی با والدین هستند را در کاهش مشکلات پرخاشگری کودک روشن می‌سازد. این پژوهش نیز محدودیت‌هایی را به همراه داشت؛ نخست آنکه امکان انجام نمونه‌برداری تصادفی اساساً ممکن نبود و نیز با توجه به محدودیت‌های مراکز پیش‌دبستانی به دلیل شیوع کرونا، به‌ناچار از نمونه‌برداری دسترس استفاده شد. دوم آنکه، ماهیت خودگزارش‌دهی ابزارهای پژوهش، احتمال پاسخگویی دقیق، صادقانه و با حداقل خطا را از سوی شرکت‌کنندگان کاهش می‌داد. دیگر اینکه داده‌های پژوهش محدود به خصیصه‌های روان‌شناختی مادران و فاقد هرگونه اطلاعات حاصل از گزارش پدران بود. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی استفاده از روش‌های نمونه‌برداری تصادفی، ارزیابی‌های مبتنی بر مصاحبه در کنار پرسشنامه و در نهایت بررسی جامعه پدران مورد توجه قرار گیرد.

### منابع

- Ansari, S., Farahbakhsh, K., & Naeimi, E. The Comparison between parent's knowledge with and without a college education about the types of child abuse. (2020). *Counseling Researches*, 18 (72), 30- 65. [In Persian].
- Asgarizadeh, A., Pakdaman, S., Hunjani, M., & Ghanbari, S. (2023). Iranian adaptation of the revised adult attachment scale: Validity and reliability in the general population. *Applied Psychology*. Advance online publication. [In Persian].
- Auslander, W., Sterzing, P., Threlfall, J., Gerke, D., & Edmond, T. (2016). Childhood abuse and aggression in

مادران با تاریخچه دلبستگی ناایمن، غالباً فاقد علاقه و کنجکاوی واقعی به حالت‌های ذهنی فرزندشان هستند. پریشانی عاطفی بالا در مادران دچار اضطراب دلبستگی باعث می‌شود در شناخت حالت‌های ذهنی کودک دچار بیش‌ذهنی‌سازی یا کم‌ذهنی‌سازی شوند که منجر به کنجکاوی ناقص یا افراطی و مداخله‌گرانه در حالت‌های ذهنی کودک شده و علاقه و کنجکاوی اصیل را از بین می‌برد. مکانیزم‌های پیش‌ذهنی‌سازی و کم‌ذهنی‌سازی همچنین اطمینان بیش از حد و سازش‌نیافته یا فهم غلط درباره ابهامات حالت‌های ذهنی کودک را منعکس می‌کند (لویتن و دیگران، ۲۰۱۷). در نتیجه کودک نمی‌تواند عواطف مبتنی بر خشم و ناراحتی خود را در بستر کنش تأملی مادر یعنی بازنمایی دقیق تجربه ذهنی‌اش، درک و شناسایی کرده و ناتوانی در مهار برانگیختگی‌های پرخاشگری، پیامد روانی آن است.

درباره رابطه غیرمستقیم دو مؤلفه علاقه (کنجکاوی) و قطعیت نسبت به حالت‌های ذهنی فرزندان با پرخاشگری کودکان از مسیر توان بدرفتاری با کودک نیز شواهد معناداری به‌دست نیامد. اگرچه این یافته‌ها با نتایج روستاد و ویتاکر (۲۰۱۶) ناهمسو است، از یافته‌های نایسنس و دیگران (۲۰۱۸) مبنی بر آنکه برخلاف پیش‌ذهنی‌سازی، سطوح پایین علاقه و قطعیت مادر لزوماً رابطه‌ای با تنیدگی والدگری ندارد حمایت می‌کند و براساس آن، احتمالاً این دو زیرمقیاس سطوح سازش‌یافته‌تری از کنش تأملی را منعکس می‌کند که با خصیصه‌های مثبت‌تر والدگری ارتباط بیشتری دارد. همچنین اگرچه این دو بُعد می‌توانند مستقیماً با پرخاشگری کودک ارتباط یابند، یافته‌ها تأیید می‌کند که توان بدرفتاری با کودک متأثر یک رشته علل چندسطحی است (بلسکی، ۱۹۹۳) و سطوح سازش‌یافته‌تر کنش تأملی لزوماً به‌تنهایی قادر به پیش‌بینی آن نیست.

در مجموع، نتایج پژوهش حاکی از آن است که بخشی از تغییرات متغیر پرخاشگری کودک از طریق ابعاد دلبستگی و کنش تأملی مادر با واسطه‌گری توان

- ent-infant dyad and the construction of the subjective self. *Child Psychology and Psychiatry, and Allied Disciplines*, 48(3-4), 288–328.
- Freer, B., Sprang, G., Katz, D., Belle, C., & Sprang, K. (2017). The Impact of child abuse potential on adaptive functioning: Early identification of risk. *Family Violence*, 32(2), 189-196.
- Frolli, A., Cavallaro, A., Oduro, S., Bosco, A., Lombardi, A., Di Carmine, F., & Ricci, M. C. (2021). Ddaa and maternal reflective functions. *Current Psychology: A Journal for Diverse Perspectives on Diverse Psychological Issues*. Advance online publication.
- Goudarzi, Z. (2020). *The mediating role of emotion regulation between maternal reflective functioning and children's internalizing and externalizing problems*. MA dissertation, Shahid Beheshti University. [In Persian].
- Howard, K. (2010). Paternal attachment, parenting beliefs and children's attachment. *Early Child Development and Care*, 180(1), 157-171.
- Hünefeldt, T., Laghi, F., Ortu, F., & Belardinelli, M. O. (2013). The relationship between 'theory of mind' and attachment-related anxiety and avoidance in Italian adolescents. *Journal of Adolescence*, 36(3), 613–621.
- Rosso, AM. (2022). When Parents Fail to Mind the Child: Lower Mentalizing in Parents Who Maltreat Their Children. *Frontiers in Psychology*, 13, 853343.
- Kazemeini, T., Sepehri Shamloo, Z., Mashhadi, A., & Moddares Gharavi, M. (2018). Reflective functioning factors in parents of children with separation anxiety disorder: A Qualitative reaserch. *Child Mental Health*, 5(3), 181- 192. [In Persian].
- Kline, R. B. (2011). Principles and practice of structural equation modeling. New York, NY: Guilford Press.
- Lo, C., Chan, K. L., & Ip, P. (2019). Insecure adult attachment and child maltreatment: A meta-analysis. *Trauma, Violence & Abuse*, 20(5), 706–719.
- Luyten, P., Mayes, L. C., Nijssens, L., & Fonagy, P. (2017). The parental reflective functioning questionnaire: Development and preliminary validation. *Plos One*, 12(5), e0176218.
- Luyten, P., Nijssens, L., Fonagy, P. (2017). Parental reflective functioning: theory, research, and clinical applications, *The Psychoanalytic Study of the Child*, 70(1), 174-199.
- adolescent girls involved in child welfare: The role of depression and posttraumatic stress. *Child & Adolescent Trauma*, 9(4), 1–10.
- Belsky J. (1993). Etiology of child maltreatment: A developmental-ecological analysis. *Psychological Bulletin*, 114 (3), 413–434.
- Bowlby, J. (1973). *Attachment and loss: Separation anxiety and anger*. New York: Basic Books.
- Collins, N. L. (1996). Working models of attachment: Implications for explanation, emotion, and behavior. *Personality and Social Psychology*, 71(4), 810–832.
- Collins, N. L., & Read, S. J. (1990). Adult attachment, working models, and relationship quality in dating couples. *Personality and Social Psychology*, 58(4), 644–663.
- Del Vecchio, T., Erlanger, A. C.E., & Slep, A. M. S. (2012). Theories of child abuse. In M. A. Fine & F. D. Fincham (Eds.), *Handbook of family theories: A Content based approach* (pp. 208- 227) New York: Routledge.
- Dittrich, K., Boedeker, K., Kluczniok, D., Jaite, C., Hindi Attar, C., Fuehrer, D., Herpertz, S. C., Brunner, R., Winter, S. M., Heinz, A., Roepke, S., Heim, C., & Bermpohl, F. (2018). Child abuse potential in mothers with early life maltreatment, borderline personality disorder and depression. *The British Journal of Psychiatry: Mental Science*, 213(1), 412–418.
- Ensink, K., Bégin, M., Normandin, L., & Fonagy, P. (2017). Parental reflective functioning as a moderator of child internalizing difficulties in the context of child sexual abuse. *Psychiatry Research*, 257, 361–366.
- Espinosa, A., Ruglass, L. M., Dambreville, N., Shevorykin, A., Nicholson, R., & Sykes, K. M. (2017). Correlates of child abuse potential among African American and Latina mothers: A developmental-ecological perspective. *Child Abuse & Neglect*, 70, 222–230.
- Fathi, M., Aminyazdi, S. A., Kareshki, h., & Ahanchian, H. (2020). Investigating Psychometric Properties of Parental Reflective Functioning Questioner (PRFQ). *Fundamentals of Mental Health*, 22 (5), 301- 310. [In Persian].
- Feeney, J. A. (2006). Parental attachment and conflict behavior: Implications for offspring's attachment, loneliness, and relationship satisfaction. *Personal Relationships*, 13(1), 19–36.
- Fonagy, P., Gergely, G., & Target, M. (2007). The par-

- tween reflective functioning and parent-child relationship quality. *Child and Family Studies*, 25(7), 2164-2177.
- Rutherford, H. J., Booth, C. R., Luyten, P., Bridgett, D. J., & Mayes, L. C. (2015). Investigating the association between parental reflective functioning and distress tolerance in motherhood. *Infant Behavior & Development*, 40, 54-63.
- Rutherford, H. J., Goldberg, B., Luyten, P., Bridgett, D. J., & Mayes, L. C. (2013). Parental reflective functioning is associated with tolerance of infant distress but not general distress: evidence for a specific relationship using a simulated baby paradigm. *Infant Behavior & Development*, 36(4), 635-641.
- Sadeghzadeh, M., Behzadi, F., & Khormaei, F. (2020). Mother's patience components and child abuse potential: The Mediation role of emotional dysregulation. *Developmental Psychology*, 16(63), 311-320. [In Persian].
- Salo, S.J., Pajulo, M., Vinzce, L. et al (2021). Parent relationship satisfaction and reflective functioning as predictors of emotional availability and infant behavior. *Child & Family Studies* 30, 1214-1228.
- Scott S. (1998). Aggressive behavior in childhood. *British Medical (Clinical Research Edition)*, 316 (7126), 202-206.
- Seyedmousavi, P & Nourimoghadam, S. (2016). Attachment and developmental outcomes: The Rol of mental representations in predicting internalizing and externalizing problems in preschool children. *Journal of Developmental Psychology: Iranian Psychologists*, 12 (47), 251-263. [In Persian].
- Smaling, H. J., Huijbregts, S. C., van der Heijden, K. B., Hay, D. F., van Goozen, S. H., & Swaab, H. (2017). Prenatal reflective functioning and development of aggression in infancy: The Roles of maternal intrusiveness and sensitivity. *Abnormal Child Psychology*, 45(2), 237-248.
- Vahedi, S., Fathiazar, S., Hosseini-nasab, S., & Moghadam, M. (2008). Validity and Reliability of the Aggression Scale for Preschoolers and Assessment of Aggression in Preschool Children in Uromia. *Fundamentals of Mental Health*, 10 (37), 15- 24. [In Persian].
- Walker, C. A., & Davies, J. (2010). A Critical review of the psychometric evidence base of the Child Abuse Potential Inventory. *Family Violence*, 25 (2), 215-227.
- Yoon, S., Tebben, E., & Lee, G. (2017). Child-Mikulincer M. (1998). Adult attachment style and individual differences in functional versus dysfunctional experiences of anger. *Personality and Social Psychology*, 74(2), 513-524.
- Mikulincer, M., & Shaver, P. R. (2008). Adult attachment and affect regulation. In J. Cassidy, & P. R. Shaver (Eds.), *Handbook of attachment: Theory, research, and clinical applications* (pp. 503-531). New York, NY: Guilford Press.
- Mikulincer, M., & Shaver, P. R. (2019). Attachment orientations and emotion regulation. *Current Opinion in Psychology*, 25, 6-10.
- Milner, J. S. (1986). *The Child Abuse Potential Inventory: Manual*. (2nd ed.). Webster, NC: Psytec.
- Milner, J. S. (1993). Social information processing and physical child abuse. *Clinical psychology Review*, 13, 275-294.
- Miragoli, S., Milani, L., Di Blasio, P., & Camisasca, E. (2020). Difficulties in emotion regulation in child abuse potential: Gender differences in parents. *Child Abuse & Neglect*, 106, 104529.
- Nijssens, L., Bleys, D., Casalin, S., Vliegen, N., & Luyten, P. (2018). Parental attachment dimensions and parenting stress: The mediating role of parental reflective functioning. *Child and Family Studies*, 27(6), 2025-2036.
- Nijssens, L., Vliegen, N., & Luyten, P. (2020). The mediating role of parental reflective functioning in child social-emotional development. *Child and Family Studies*, 29(8), 2342-2354.
- Ondersma, S. J., Chaffin, M. J., Mullins, S. M., & LeBreton, J. M. (2005). A Brief form of the child abuse potential inventory: Development and validation. *Clinical Child and Adolescent Psychology*, 34(2), 301-311.
- Ran, G., Zhang, Q., Zhang, Q., Li, J., & Chen J. (2022). The Association between child abuse and aggressive behavior: A Three-level meta-analysis. *Trauma Violence Abuse*, Advance online publication.
- Rodriguez, C. M., & Tucker, M. C. (2011). Behind the cycle of violence, beyond abuse history: a brief report on the association of parental attachment to physical child abuse potential. *Violence and Victims*, 26(2), 246-256.
- Rostad, W.L., & Whitaker, D.J. (2016) The Association be-

ment and ecological protective factors. *Children and Youth Services Review*, 81, 72- 80.

hood aggression among child welfare involved children: The interplay between the type of child maltreat-

